

بارد، دامن سبزو گلدار می پوشد. چارقدی با عطر شکوفه‌های سیب، و نرم نرمک و آهسته می رقصد در دشت، شقایقها حتی کوه‌های سخت و سرد و پراز برف دل می دهند، قطر قطر آب می شوند به پای او. بهار عاشقی را تمام و کمال بلد است! رسم دلدادگی را بلد است! راه دلبری را بلد است! بهار عاشقی بی چون چراست... این دختر عاشق و عاشق کش دخترک با حجب و حیا چه شوری به پا می کند در دلها... دختر بهار عاشقی بی چون و چراست!!

## \*\* روح سبز

### فرزانه قانع

بهار اول فروردین شروع نمی شود. بهار از اولین برگهای سبز و از اولین شکوفه‌ها شروع نمی شود. بهار با خریدن لباس و چیدن سفره هفت سین شروع نمی شود. بهار یک جایی توی سر آدمهاست. یک جایی تو دل آدمهاست. دقیقا از جایی شروع می شود که به دنبال نقطه ای برای تغییر باشیم. شاید این تحول درس خواندن باشد.

شاید ورزش کردن و حتی شاید کتاب خوانی شایدم حس خوب عاشقی... تغییراتی در خودمان و رفتارمان بخاطر همین تغییرات است که بعضی‌ها در سال چند بهار دارند. بعضی‌ها اصلاً بهار ندارند و هستند کسانی که هیچ وقت بهار را نمی بینند. با شکوفه زدن درختان، دل و روحمان شکوفه زند. امیدوارم با بهاری شدن روزگار، روحتان سبز و بهاری شود.

## \*\* تحویل سال

### مهشید السادات پناهی

روزهای آخر سال است و من مثل سالهای گذشته شور و هیجان و شلوغیهای شب عید را در کوچه و خیابان نمی بینم. عصرها که از محل کار به خانه برمی گردم خبری از ترافیک اسفند نیست در حالیکه سال گذشته همین مسیر را بیش از یکساعت در ترافیک می ماندم. اصلاً شلوغیهای شب عید، از قشنگیهای آخر سال است ولی امسال با توجه به اینکه مردم از نظر اقتصادی دچار مشکلات فراوانی هستند، توانایی خرید عیدانه ندارند!

از طرفی سال ۹۶ هم با همه‌ی تلخی‌هایش به پایان رسید. ولی واقعا امسال، موقع تحویل سال، چه چیزی را باید تحویل بدهیم؟ حکایت تلخ سقوط هواپیما، غرق شدن کشتی سانچی، خانه‌های ویران شده، داغ عزیزان و...

امیدوارم در سال جدید اتفاقاتی خوب و شاد برای مردم عزیز ایران رقم بخورد و همچنین روزهای خوبی در انتظار جوانان این مملکت به ویژه خواننده‌های عزیز مجله «جوانان امروز» باشد.

## \*\* شمیم عطر یاد

### مجید فلاح شجاعی

...و باز هم بهار، باز هم بوی عیدی و همه خاطرات دوست داشتنی قدیمی، یاد پدر بزرگ و مادر بزرگها، اسکناسهای لای قرآن، دست نوازش بزرگترها بر سر بچه‌ها، میوه و تنقلات خوردن سر سفره، شیرینی‌های میان پر محلی و... چقدر عالی بود آن روزهای گذشته. حالا خیلی از آدمهای آن روزها نیستند، رفتند به جاده‌های دور، ولی یادشان همچنان زنده است و در زندگی مان جاری هستند.

شمیم عطر یادشان، همه روزهای زندگی مان را عطر آگین می کند. برای همین روزها هم، خدا را سپاس می گوئیم، روزهایی که در آن نفس می کشیم، زنده‌ایم و باز هم می توانیم در کنار هم باشیم، امیدوارانه به سال جدید لبخند بزنیم و همه تلخیهای سال کهنه را فراموش کنیم. یا تجربه همه شکستهای سال کهنه را، زیر پا بگذاریم تا پلکانی شود برای صعود به سمت موفقیتها.

یک سال دیگر با شما خوانندگان عزیز و یاران وفا دار مجله جوانان امروز بودیم، همه تلاش ما این است که بتوانیم مجله‌ای خوب و خواندنی تقدیم شما کنیم. نمی دانم در این زمینه چقدر موفق بوده‌ایم ولی باز هم در سال جدید همچنان تلاش خواهیم کرد تا بتوانیم نظراتان را بیشتر جلب کنیم.

امیدوارم بتوانیم مجله‌ای خواندنی تر تقدیم شما خوبان نماییم. البته این مهم نیاز به حضور و مشارکت شما در بخشهای مختلف مجله دارد. در سال جدید هم با ما همراه باشید...

### مردیم از سر ریز غصه‌ها

از باغ بی امید،

پس کی زمستانمان

بهار می شود!؟

امیدوارم وقتی ورقهای خط خطی شده عمرمان، در این یکسال را ورق می‌زنیم، مانند شکوفه‌های رنگی بهار زیبا و پر ابهت باشد و اگر برگهای خزان پاییزی هم در لابلای آنها دیدیم، در سال جدید تصمیم بگیریم که از برگهای خزان دفتر عمرمان بکاهیم و به طروات و خوب بودنمان بیفزاییم.

مطلبی در دنیای مجازی از زبان زلزله‌زدگان عزیز کرمانشاهی خواندم: "ما امسال خانه نداریم تا خانه تکانی کنیم!" واقعا چقدر سخت است که در چند ثانیه، همه عزیزان و زندگی ات در جلوی چشمانت از بین بروند.

پس بیایم از تلخیها و اتفاقات ناگوار زندگی درس عبرت بگیریم و نگذاریم که حرص و طمع دنیا جای خوشیها و دوست داشتنها و مهربانی‌هایمان را بگیرد.

سالی سرشار از اتفاقات خوب و بهترینهای زندگی را برای تک تک همکاران و خوانندگان عزیز مجله آرزو مند.

## \*\* رد پای بهار

### سهیلا مودی

سال ۹۶ با همه‌ی حادثه‌های مختلفش به آخر رسید چند روز قبل پسر ده ساله ام می گفت حادثه‌های زیادی برای مردم جامعه افتاده و سال خوبی نبود؛ اما این را نباید فراموش کنیم که همه‌ی روزها روزهای خوب خدا هستند. با آنکه برای من هم روزهای اول فروردین ۹۶ اتفاق تکان دهنده ای افتاد که دوباره لطف خدا شامل حال شد؛ اما حالا که رد پای بهار در خانه‌ها و کوچه و محله‌ها پیداشده امیدوارم خوشی‌هایی مانند درختان تازه جوانه زده‌ی اطرافمان از در و دیوار خانه‌ی قلب‌های همه سرازیر شود و سال ۹۷ سال کارناوال شادی برای همه باشد.

## \*\* عید؛ فرصتی برای شروع دوباره

### مهدی اصغری

یک سال دیگر را پشت سر گذاشتیم، با تمام تلخی‌ها و شیرینی‌هایش. سالی که البته تلخی‌هایش بر شیرینی آن چربید. و ابر و باد و مه و خورشید و فلک دست به دست هم دادند تا روزهایی درناک را سرزمینمان تجربه کند. در اینجا مقصود یادآوری غصه‌ها نیست. هر درد و رنج حتی اگر بی نهایت سنگین و خارج از تحمل انسان باشد باید در نقطه‌ای فروکش کند که اگر غیر از این باشد، آدمی زیر بار تلخی‌های روزگار قد خم می کند و آرام آرام از بین می رود.

حالا که طبیعت دارد چهره عوض می کند، چه چیز بهتر از این که با آن همراه شویم و طرحی نو دراندازیم. دل به شروعی دوباره بسپاریم و سال جدید را با امید به روزهایی خوش و دلخواه شروع کنیم. باید بجای غصه خوردن به فکر التیام درد بود. بنای سال جدید را بر برطرف کردن غبار غم از چهره میهن عزیزمان بگذاریم و سعی کنیم سهمی هر چند کوچک در رفع اندوه هم وطنانمان داشته باشیم.

برای تمامی خوانندگان دوست داشتنی مجله سالی پر خیر و برکت و همراه با شادی و تندرستی آرزو می کنم و امیدوارم در سال جدید به همه آرزوهای خوبتان برسید. نوروزتان مبارک

## \*\* آمد بهار جانها

### مریم زارع

سال ۹۶ به چشم برهم زدنی تمام شد و مثل اینکه واقعا «آمد بهار جانها» حالا اینکه به کدام ساز این سال جدید

«برقص آ» می شویم خودش درهاله ای از ابهام است. البته سالی که گذشت به ما نشان داد که دست به رقصمان آنچنان هم بد نیست، از لرزیدن بخاطر زلزله‌ها بگیر تا آنچه میتوان بالا پریدن از رقص دلاری در نظر گرفت. جای گفتن از سخت جانی ما نیست، فرصتی باید داشته باشیم برای خندیدنی از ته دل به رقص سیاه بازی‌های خیابانی.

بهرحال آنچه از بهار انتظار داریم شکوفه‌هایی است که با خودش امید را در دل سال ۹۷ برایمان جوانه بزند. شکوفه‌هایی که حال دل ما را بهتر کند، فال مارا نیکتر گرداند و به لبخندمان، جانی دوباره ببخشد.

## \*\* دختر بهار

### شمیلا شهرابی

بهار عاشق بی چون و چراست! نگاه کن دلداگیش را... بغضهای پی در پی و کوتاهش را... دل دادن زمین و آسمانش را...

حتی قطره‌ی باران وقتی به زمین می رسد، خاک می بوسدش قطره می شود تباہ...! خاک لب بلب قطره می گذارد و قطره جان می دهد. دختر بهار عاشق بی چون و چراست! یک روز دامن زرد و آفتابیش را می پوشد، قره می دهد و می چرخد. روز دیگر حجاب بر سر می گیرد، پشت فلش دوربین زمان بغضش را فور می خورد.

صبح عشو می آید و ناز می کند و گیسوانش را به دستان نسیم می بخشد. ظهر عاشق می شود و تب می کند و می سوزاند. عصر دل‌تنگ معشوق می شود، بغض می کند و می

